

نجیب محفوظ و منتقدان چپ حلمی سالم . ترجمه محمد جواهر کلام

۶۷ رابطه ای که منتقدان چپ‌گرای مصر با نجیب محفوظ داشته اند، و نیز رابطه او با آنها مساله ای است قابل تأمل، زیرا مراحل مختلفی داشته و از دوره های گوناگونی گذشته است. هنگامی که نجیب محفوظ کار ادبی خود را شروع کرد، نخست منتقدان چپ بودند که به تجربه ابداعی او توجه کردند و به بررسی آن کمر بستند. از میان این منتقدان می توان به کسانی چون محمود امین العالم، ابراهیم فتحی، احمد عباس صالح، لطیفه الزیات، غالی شکری، عبدالمحسن طه بدر، محمد دکروب و فیصل دراج اشاره کرد که در کارشان دو امر محوری به چشم می خورد: اول توجه به شکل هنری و تکنیکی او و عدم اکتفا به مضامین تاریخی، اجتماعی و فکری آثار او. این اهتمام به بهترین شکل در کتاب محمود امین العالم «معماری هنری آثار نجیب محفوظ» و در کتاب ابراهیم فتحی «فرم در آثار نجیب محفوظ» و در آثار منتقدان نسل بعد از آنها، چون بهاء طاهر، صبری حافظ، صلاح سروی، و فخری صالح تجلی کرد. این منتقدان در آثار خود ساختارهای زیبایی شناسانه داستانهای نجیب محفوظ و شیوه های داستان نویسی او را بررسی کردند.

محور دوم اتفاق نظری است که بخشی از این منتقدان در مورد

برای این موضع عجیب محفوظ توجیهاات فراوانی از طرف اشخاص مختلف ارائه شده است: حفظ ظاهر، ترس، حق شناسی، پرهیز از درگیری، و... ولی این توجیهاات نتوانسته اند حیرت منتقدان را کاهش دهند، یا در موضع آنان نسبت به نویسنده تغییری به وجود آورند. آنها این کارش را تقویت ضمنی سلطه الازهر بر موضوعی می دانستند که در صلاحیت این نهاد نیست.

دیدگاههای نجیب محفوظ دارند. به نظر آنها محفوظ نویسنده خرده بورژوازی است، و دلیلش را توجهی می دانند که وی به شهر و طبقات مختلف شهری، چون معلمان، کارمندان، بازرگانان، دانشجویان و دکانداران دارد. با اینکه به نظر این منتقدان، ادبیات نجیب

محفوظ میان توصیف واقعیت تاریخی، واقعیت ناتواریستی و واقعیت اجتماعی در نوسان است، ولی کلاً او را به عنوان نویسنده ای بیانگر آرمانهای طبقه متوسط می دانند.

در دهه ۵۰ و ۶۰ قرن بیستم، جریان انتقادی مسلط در مصر جریان «واقعیت گرایی سوسیالیستی» بود، و نویسنده معتبر در نظر این جریان نویسنده ای بود که آرمانهای کارگران و دهقانان را بیان می کرد. از این رو طبقه بندی نجیب محفوظ به عنوان نویسنده طبقه متوسط به تعبیری هدفش تقلیل جایگاه ادبی او بود، مضافاً بر اینکه اشاره ای خرده گیرانه نسبت به او بود که ترسیم کننده زندگی طبقه ای است که افرادی عمدتاً فرصت طلب، مرده، کوتاه فکر، و به طرز ویرانگر جاه طلبند.

بی تردید چنین برداشتی دلخواه نجیب محفوظ نبود و فاصله او را با منتقدان چپ بیشتر می کرد. آنچه به این فاصله دامن می زد، تصویری بود که نجیب محفوظ در آثارش از چپگرایان ارائه می داد، بدین معنی که آنها را غالباً به صورت افرادی فرصت طلب، نیهیلیست، خیالپرداز، و احیاناً خائن تصویر می کرد، چندان که می توان گفت که هیچ شخصیت چپ صحیح و سالمی در آثارش دیده



نمی‌شدند، و شخصیت‌های چپ‌رمان‌هایش هر کدام عیب و علتی داشتند.

با این همه، فاصله میان منتقدان چپ و محفوظ بتدریج و در طول سالیان، اندک اندک از بین رفت. سه عامل سبب شد این فاصله از بین برود:

۱) رشد فکری محفوظ و وسیع‌تر شدن دنیای او، که به او امکان دادند پایه قلمروهای تازه‌تری بگذارد، و از خلال آشنایی بارمان‌روانشناختی، وجودی و عرفانی، دنیاهای جدیدی را تجربه کند.
 ۲) تندتر شدن انتقادات نجیب محفوظ نسبت به نظام سیاسی و اجتماعی حاکم بر مصر، پس از ناصر؛ بدین معنی که اگر نجیب محفوظ استبداد، خشونت و جاه‌طلبی رادر دوره ناصر محکوم می‌کرد، سیاست درهای باز اقتصادی، تباهی اخلاقی و ارزشی دوران پس از ناصر را نیز محکوم کرده، مضافاً بر اینکه استبداد قدرت همواره از نظر او محکوم بود. این نکته را فیصل دراج، منتقد چپ‌گرای مصر چنین بیان کرده است: «(از نظر نجیب محفوظ) دوره سلطنتی چیزی نداشت، و دوره جمهوری نیز چیز تازه‌ای به ارمغان نیاورد؛ «نظام توتالیتیر جدید» و «نظام لیبرال جدید» فرق زیادی نداشتند؛ همه قدرتها به استبداد می‌انجامند، و همه قدرتها - مستبد و غیر مستبد - محل پرورش فسادند.»

۳) فاصله‌ای که منتقدان چپ، در تحلیل آثار نجیب محفوظ، میان «متن» و «شخصیت» می‌گذاشتند؛ و در واقع به نصیحت محفوظ عمل می‌کردند که به آنها گفته بود، همیشه «کار و اثر» را باور کنید، حق با اوست و حرف آخر را کار و اثر می‌زند. او این را در پاسخ کسانی گفته بود که از او دربارهٔ مواضعش می‌پرسیدند: «مواضع آسانگیر محفوظ با ادبیات صریح و معترض او فرق زیادی دارند - کدام را باور کنیم؟» هر چند در مورد محفوظ، جدا کردن متن از شخصیت کارچندان درستی نیست، و موضع ادبی او همیشه باید با موضع سیاسی او انطباق داشته باشد، ولی منتقدان چپ‌گرا چنین جدایی‌ای را در مورد نجیب محفوظ به مثابه راه حلی دیده‌اند که پاره‌ای از رفتارهای متناقض او را توضیح می‌دهد، و در تاریخ ادبیات عرب و جهان بی‌سابقه نیست و نظایر فراوان دارد.

۴) اتفاق نظری که بخش بزرگ منتقدان چپ‌گرای نجیب محفوظ، به شکلی غیر مستقیم، در ارزیابی او از نظر فکری دارند، و آن اینکه او را نویسنده‌ای «سوسیالیست دمکرات» می‌دانند، یعنی از طراز نویسندگانی است که آزادی و عدالت را مد نظر دارند، بی‌آنکه جنبه سوسیالیستی فکرشان به کمونیسم برسد، یا اعتقادشان به دمکراسی آنان را در دامن سرمایه‌داری ببیند. به عبارت دیگر، هر سوی این معادله: سوسیالیسم / دمکراتیسم سوی دیگر را از غلتیدن در افراط

باز می‌دارد. در فرهنگ عربی نمونه‌های فراوانی از این طرز تفکر هست که از آن میان می‌توان به افرادی چون صلاح عبدالصبور (شاعر نوگرای مصر)، عبدالعزیز مقالخ (نویسنده و متفکر یمنی)، یحیی یخلف (داستان‌نویس فلسطینی)، لوپس عوض (متفکر چپگرای مصری) اشاره کرد. این تیپ نویسنده می‌تواند کارمند بزرگی در دستگاه دولت باشد، البته با حفظ فاصله با دولت. او اگرچه بخشی از دستگاه دولت است، ولی کلاً در ایدئولوژی آن نمی‌گنجد.

آنچه در دوره‌ای میان چپگرایان مصر و نجیب محفوظ فاصله انداخت و سبب شد که آنان، چه در مصر و چه در کشورهای عربی، نجیب محفوظ را زیر آماج انتقادات خود بگیرند، دو چیز بود: اول اینکه نجیب محفوظ دیدار انور سادات از اسرائیل و معاهده صلح مصر و اسرائیل را تأیید کرد و در پی آن خود با عده‌ای از اسرائیلیها به گفتگو نشست. با اینکه بخشی از این چپگرایان کوشیدند این کار نجیب محفوظ را در گستره وسیعتری تفسیر کنند، و آن را در چارچوب اعتقادی خاصی بگنجانند که روشنفکران مصر (و در رأس آنها نویسندگان مرکز مطالعات سیاسی و استراتژیک روزنامه الاهرام) داشتند و فحوایش این بود که کشاکش با اسرائیل بیش از آنکه کشاکشی بر سر خاک باشد، کشاکشی تمدنی است، و اینکه جنگ با اسرائیل بهایی گران داشت، و اکنون مصریان باید به مسائل داخلی خود بپردازند (و توفیق الحکیم، حسین فوزی، لوپس عوض و محمدسید احمد از جمله‌شان بودند)، و با اینکه محفوظ نیز، پس از این انتقادات، به گفتگوهای خود با اسرائیلیها پایان داد و در دیدگاهش نسبت به صلح با اسرائیل تجدید نظر کرد (بویژه وقتی خود اسرائیل با تجاوزات مکررش روند صلح را بی اعتبار کرد)، ولی به هر حال این موضوع در رابطه میان چپگرایان و نجیب محفوظ به صورت موضوع لاینحلی باقی ماند.

دوم اینکه نجیب محفوظ همیشه از چاپ و انتشار رمان معروفش «بچه‌های محله ما» در مصر سرباز می‌زد و انتشار آن را مشروط به این می‌کرد که الازهر با انتشار آن موافقت کند و یک متفکر اسلامی شناخته شده بر آن مقدمه بنویسد. معروف است که بیشترین مخالفتها با انتشار این رمان در سال ۱۹۵۹ از سوی چپگرایان و آزادیخواهان مصر و جهان عرب صورت گرفته بود و این مخالفتها از آن پس نیز با همان حدت ادامه یافت. در طول این پنج دهه که از توقیف این رمان در مصر می‌گذرد، بارها و به مناسبتهای مختلف تلاشهایی برای آزادی انتشار این رمان در مصر انجام شد: یک بار هنگام اعطای جایزه سیاست دولت به محفوظ در سال ۱۹۶۶ (زمان ناصر)، بار دیگر هنگام گرفتن جایزه نوبل در سال ۱۹۸۸، بار سوم پس از ترور نافر جام او در سال ۱۹۹۴، و بار چهارم هنگام برپایی جشن نود و چهارمین سالگرد تولد او (۲۰۰۵)، که به این مناسبت مجله

قدیمی «الهلال» بر آن شده بود که رمان را در سری «رمانهای الهلال» چاپ و منتشر کند. در همه این مناسبتها چپگرایان و دمکراتهای مصر مساله چاپ و انتشار این رمان را پیش می کشیدند و محفوظ مثل همیشه شرطهای خود را تکرار می کرد: موافقت الازهر با انتشار کتاب، و مقدمه یک اسلام شناس معروف بر آن.

برای این موضع عجیب محفوظ توجیهاات فراوانی از طرف اشخاص مختلف ارائه شده است: حفظ ظاهر، ترس، حق شناسی، پرهیز از درگیری، و... ولی این توجیهاات نتوانسته اند حیرت منتقدان را کاهش دهند، یا در موضع آنان نسبت به نویسنده تغییری به وجود آورند. آنها این کارش را تقویت ضمنی سلطه الازهر بر موضوعی می دانستند که در صلاحیت این نهاد نیست. گذشته از این باعث می شد که از حدت آن جنبش فرهنگی که در طول قرن گذشته، و بتحقیق از زمان انتشار کتاب «فی الشعر الجاهلی» اثر طه حسین در دهه ۲۰، تلاش فراوانی برای الغای قیومت دینی بر حوزه های فکر و ادب انجام داده، به میزان زیادی کاسته شود. منتقدان چپ این موضع او را نمونه ای از آن دوگانگی ای می دانند که از یک سو ناشی از فاصله میان «متن» و «شخصیت» است، و از سوی دیگر ناشی از عمق تعارضاتی است که در تیپ «نویسنده سوسیال دمکرات» هست.

با این همه در دو دهه اخیر، بر اثر آشناتر شدن منتقدان چپ با نظریه های نقد ادبی، و نیز بر اثر متنوع تر شدن آثار نجیب محفوظ، تغییر گسترده ای در بیش منتقدان چپ نسبت به او و آثارش پدید آمد و هر چند پاره ای انتقادها به قوت سابق خود ماند، ولی این تغییرات موجب شد که نظریات انتقادی آنها در شناخت محفوظ انعطاف بیشتری بیابد. ♦ ♦